حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
از نافرمانی خدا در خلوت‌ها، پروا کنید.

اذان ظهر: ۱۲:۱۸ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۳۲
اذان مغرب: ۱۷:۵۱ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۵
اذان صبح فردا: ۵:۳۷ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۳

همشهری

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی
پنجشنبه‌ها
پنجشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۷۰۶
تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال آفرین

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
سردبیر: دانیال معمار

پذیرش آگهی: تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰
توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰
دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴ ■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶ ■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

چه مستی است؟ ندانم که رو به ما آورد
که بود ساقی و این باده از کجا آورد؟
حافظ

گرینویچ

پایان التهاب رادیواکتیو

چند روز التهاب رادیواکتیو در استرالیا، سرانجام به پایان رسید و مقامات گفته‌اند: کپسول خبرسازی را که گم‌شدنش جنجال و ترس زیادی ایجاد کرده بود، پیدا کرده‌اند. این کپسول کوچک که حاوی مواد رادیواکتیو است، چند روز پیش در حال انتقال توسط یک شرکت معدن‌کاری گم شد و جست‌وجوی ملی برای پیدا کردن آن شروع شد. این قطعه، قرار بود در سفری ۱۴۰۰کیلومتری به آن سوی استرالیا برده شود که در مسیر گم شد. شرکت معدن‌کاری ریو تینتو به‌خاطر این کار از مردم معذرت‌خواهی کرد اما گم شدن این کپسول، التهابی بی‌سابقه در این کشور ایجاد کرد. این کپسول که ۶میلی‌متر قطر و ۸میلی‌متر طول دارد، حاوی یک ماده رادیواکتیو است که خطر زیادی برای انسان دارد. مقامات در استرالیا گفته‌اند که پیدا کردن این کپسول، مثل پیداکردن سوزن در انبار کاه بوده و با خوش‌شانسی و از روی شماره سریال، آن را پیدا کرده‌اند.

انعام ۵هزار دلاری

بارها پیش آمده که دوستان در دورهمی‌هایشان به این فکر کرده‌اند که چطور می‌توانند در زندگی خودشان و دیگران تغییرات مثبت ایجاد کنند. برای آنها که دنبال سرنخ هستند، کاری که یک گروه دوستانه در آمریکا کرده‌اند می‌تواند الهام‌بخش باشد. آنها برای دوره سالانه خود، در یک رستوران در ماساچوست قرار صبحانه گذاشتند. با وجود اینکه آنها نزدیک به ۳۰نفر بودند، ولی گارسون رستوران، حسابی خوش‌برخورد بود و به آنها به خوبی سرویس می‌داد. در نهایت هم، با چیزی روبه‌رو شد که کمتر گارسونی دیده است؛این گروه دوستان، برای این خانم جوان، ۵هزار دلار انعام گذاشتند. این گارسون، گفت: وقتی که ۱۰۰دلاری‌ها و بعد ۲۰دلاری‌ها را می‌شمرد، فقط گریه می‌کرده؛ چون او سرپرست خانواده است و ۲دختر دارد و این انعام را خیلی بموقع دریافت کرده است.

تولد در ترافیک

انسان‌ها در جوامع شهری در این روزگار، تولدهای مشابهی دارند و عموما، اگر نگوییم همگی، در بیمارستان متولد می‌شوند. برای همین است که هر تولد متفاوتی، حسابی سر و صدا می‌کند. درست مثل تولد نوزاد دختری در آمریکا که حسابی سر و صدا برپا کرده است. مادر این دختر، دشی فودا که ۲۳سال سن دارد، وقتی فهمید موقع زایمانش است سریعا از همسرش خواست تا او را در آتلانتا به بیمارستان ببرد اما از بخت بد این زوج، خیابان‌ها حسابی شلوغ بود و آنها در ترافیک گیر کردند. اما دختر کوچولوی آنها اهمیتی به شلوغی خیابان‌ها نمی‌داد و می‌خواست هر چه زودتر پا به این دنیا بگذارد. خوش‌شانسی این طفل این بود که مادرش قبلا ۳ بار زایمان کرده بود و تجربه این کار را داشت. وقتی که زن جوان فهمید زایمان در بیمارستان به‌خاطر ترافیک شدید شدنی نیست، به این نتیجه رسید که خودش به تنهایی وضع حمل کند. همزمان با او، همسرش هم سعی می‌کرد راه درورویی به بیمارستان پیدا کند اما قبل از اینکه ماشین به بیمارستان برسد، دختر کوچک این زوج به دنیا آمد و به نخستین متولد ترافیکی آتلانتا تبدیل شد. این خانم گفته که نوزاد در ابتدا گریه نمی‌کرد و حسابی ترسیده بود اما خیلی زود، احتمالا به‌خاطر کلافگی از ترافیک، صدای گریه‌اش به آسمان بلند شد.

قاب انقلاب
سینه ستبر

حمیدرضا محمدی

قاب‌های انقلاب بسیارند و بی‌شمار. عکس‌هایی که خاطره ساخته‌اند و در خاطر همه جاخوش کرده‌اند و حالا می‌شود با همه‌شان خاطره‌بازی کرد و رفت به آن روزها. تصاویر ثبت‌شده عکاسان ایرانی و خارجی که برخی‌شان آنقدر در همه این ۴ دهه، دست‌به‌دست چرخیده که بعضاً نام خالق‌شان گم و فراموش شده است و ما در چهل‌وچهارمین فجر آن پیروزی؛ چندتایی از شناسنامه‌دارهایشان را برگزیده‌ایم. آن‌هایی که دست‌کم می‌دانیم آفریننده‌شان چه کسانی هستند تا به قدر وسع بکوشیم و سری بگردانیم در لابه‌لای خاطرات انقلابِ قرن.

آن‌روزها خشم و خون از در و دیوار می‌بارید. کسی را نمی‌شد یافت که ابایی داشته باشد از گلوله. همه سینه خود را ستبر کرده و به میدان آمده بودند تا تیشه بر ریشه ظلم بزنند و این همه نتیجه سال‌ها و دهه‌ها نفرت پراکنی و عداوت‌ورزی بود.

و اما جملگی نیک می‌دانستند که باید خون دهند تا صبح آزادی را ببینند، چنان‌که افشین سرفراز سرود و رضا رویگری خواند؛ «فردا که بهار آید / آزاد و رها هستیم.» و به‌واقع چنین بود.

مبارزه صبر می‌طلبید. نمی‌شد یک‌شبه راه صدساله رفت. آن حکومت بیش از نیم‌قرن حکم رانده و ظلم کرده بود. پس باید که استقامت می‌ورزیدند تا به صلاح و فلاح برسند و البته به آن آیه شریفه ۳۰سوره مبارکه فصّلت که در همان کار موسیقایی هم آمده بود، ایمان داشتند؛ «آنان‌که گفتند‌الله و بر این ایمان پایدار ماندند، حاضر نشدند بنده غیر خدا شوند و حکومت غیرخدا پذیرند، فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند و مژده دهند که دیگر هیچ ترس و حزن و اندوهی از گذشته خویش نداریم و شما را به همان بهشتی که انبیا وعده دادند، بشارت باد.»

و این قاب ثبت‌شده دیوید بارنت (David Burnett)، عکاس آمریکایی مجله تایم از همان روزهای خونین ۱۳۵۷است؛ جوانی گریان از شهادت عزیز کفن‌پوشش و جمعیتی نالان که گرداگردش اجتماع یافته‌اند تا از پس همدردی با او، بر ادامه این راه برای فتح قله رهایی، پیمان اتحاد ببندند.

علی؛ نماینده واقعی ما در کانادا

ما خودمان می‌دانیم که چه ملت مهربان و دیگردوستی هستیم اما گاه به گاهی، بعضی از ما، در این طرف و آن طرف دنیا، نمایندگان راستین این ویژگی مان می‌شوند و نه فقط دنیا، که حتی خودمان را غافلگیر می‌کنند. مثل علی، دانشجوی مهربان ایرانی، که این روزها فیلم مهربانی و سخاوت بی‌چشمداشت و بی‌دریغش، حسابی او را در فضای مجازی معروف کرده است. یک تولیدکننده محتوا در تیک‌تاک، یک لنگه دستکش یخ‌زده را در هوای سرد و برفی کانادا به رهگذران برای فروش عرضه می‌کند. طبیعتا همه این پیشنهاد را رد می‌کنند، تا اینکه این مرد، به علی می‌رسد. دانشجوی جوان ایرانی، که ۲ماه پیش برای تحصیل به کانادا رفته است، صادقانه می‌گوید که پول نقد ندارد اما در عوض، وعده غذایش را که خوراک کله‌گنجشکی است به این مرد می‌دهد و البته در انتهای فیلم، مرد رهگذر، لنگه دیگر دستکش را با هزار دلار در آن به علی ما می‌دهد. این مدل تهیه محتوا در آمریکای‌شمالی حسابی پرطرفدار است و انجام کارهای نیکو و انسان‌دوستانه را ترویج می‌دهد. این دانشجوی ایرانی، به ستاره فضای مجازی تبدیل شده و زیر پست‌های مربوط به این ویدئو، هزاران کامنت در ستایش جوانمردی و سخاوت او نوشته شده است.

2k ■ 1.2m ■ 600k

یک وام جذاب

ساخت مسکن در شهرها و روستاهای مختلف، تاکنون پیشرفت خوبی داشته و خیلی از خانواده‌هایی که از خرید خانه نا امید شده بودند را دوباره به خانه دار شدن امیدوار کرده است. در کنار این نهضت ملی، وام ۲۰۰میلیون تومانی با نرخ سود ۵درصد هم برای ساخت مسکن به خانواده‌های کم درآمد در شهرهای کمتر از ۲۵هزار نفر و روستاها داده می‌شود تا آنها بتوانند زودتر خانه دار شوند. اما حالا بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از مجلس درخواست کرده در قالب بودجه سال ۱۴۰۲ به برخی از خانوارهای کم‌درآمد و محروم در کنار پرداخت تسهیلات ۲۰۰میلیون تومانی ساخت مسکن، مبالغی هم به‌صورت بلاعوض پرداخت شود تا خانه‌دار شدن افراد محروم شتاب بیشتری بگیرد. این پیشنهاد جذاب فعلا توسط مجلس در حال بررسی است اما آنطور که رئیس بنیاد مسکن گفته، اعضای کمیسیون عمران مجلس از آن حمایت کرده‌اند. بنیاد مسکن مسئولیت احداث ۱.۶میلیون واحد از طرح ۴میلیون واحدی نهضت ملی مسکن را بر عهده دارد که طبق آخرین آمار ارائه شده توسط مسئولان بنیاد هم‌اکنون ۳۱۸هزار واحد به مرحله اجرا رسیده است. هم‌اکنون متوسط پیشرفت فیزیکی واحدهای شهری ۲۳درصد و واحدهای روستایی ۴۵درصد عنوان شده است.

«با یار» همراه سالمندان

نگهداری از سالمندان در خانه، شرایط ویژه‌ای دارد و به همین دلیل هم خیلی از خانواده‌ها ممکن است برای گرفتن پرستار یا خدمات درمانی در منزل دچار سردرگمی شوند یا مجبور باشند هزینه زیادی را تقبل کنند. خبر خوب این است که مدیر آسایشگاه خیریه کهریزک گفته است؛ قرار است به‌زودی سامانه‌ای راه‌اندازی شود که خدماتی شامل پرستاری در منزل، بهیاری و پزشکی، تهیه دارو و تجهیزات، حمل‌ونقل و جابه‌جایی سالمند، مشاوره‌های روانشناسی و حقوقی، تهیه و توزیع غذای مختص سالمندان، خدمات اوقات فراغت و تفریح و زیارت، نوبت‌دهی آنلاین و پزشکی را به خانواده‌ها ارائه می‌کند. این سامانه با عنوان سامانه «با یار» کمک می‌کند خانواده‌هایی که نیازمند دریافت خدمات در منزل برای سالمندشان هستند با خیالی آسوده و بدون پرداخت هزینه اضافی، از طریق تیم تخصصی به این نوع خدمات دسترسی داشته باشند. از دیگر خدمات این سامانه هم مشاوره درخصوص نوع ارائه خدمت است. به‌طور مثال در ابتدا نیازهای یک سالمند بررسی می‌شود و پس از آن متخصصان متوجه نیازمندی سالمند به استفاده از وسیله کمک توانبخشی خواهند شد. بر همین اساس نوع وسیله و عرضه آن محصول به سالمند پیشنهاد شده و به‌عبارتی نقطه اتصالی بین خدمت‌گیرنده و خدمت‌دهنده برقرار می‌شود.

کالاهای اساسی موجود است

این روزها همه در تدارک خرید شب عیدشان هستند و حساب و کتاب می‌کنند که یک وقت کم و کسری نیاورند. ضمن اینکه امسال همزمان با عید، به پیشوازماه رمضان هم می‌رویم و برای این مناسبت هم حتما خریدهایی داریم. خوشبختانه امسال هم مثل سال‌های گذشته، کالاهای اساسی مورد نیاز شب عید وماه رمضان موجود است و آنطور که وزیر جهادکشاورزی گفته هیچ کمبود و مشکلی در این زمینه وجود ندارد. این مسئول همچنین بیان کرد؛ شهروندان خیالشان از تأمین اقلام اساسی درماه مبارک رمضان و عید نوروز راحت باشد و با دستوراتی که به اداره کل صنعت، معدن و تجارت داده شد کنترل و نظارت بسیار منسجمی بر بازار عرضه و تقاضا انجام خواهد شد. قانون شکنان هم بدانند که در بازار شب عید و ماه مبارک رمضان نظارت‌های ویژه‌ای از واحدهای صنفی انجام می‌شود و درصورت کارشکنی برابر قانون با متخلفان برخورد خواهد شد.

بوک مارک

قلعه مالویل

روبر مرل

وقتی به این دو ماه می‌اندیشم که از آن روز صبح گذشته است، چیزی که بیشتر نظرم را جلب می‌کند، کندی گذشت این مدت است. بدیهی است که ما کم کار نداریم: تیراندازی، اسب‌سواری و بالابردن دیوار باروی حیاط. اول ما همه به جای عمله برای پسوی دیلاغ کار می‌کنیم، مضافا بر اینکه خود من هم درس ورزش و املا و حساب به اوه‌لین می‌دهم. ما همه زیاد کار داریم و با این وصف عجله‌ای در کارمان نیست. فرصت زیاد داریم. روند زندگی کند و عجیب است که روزها با اینکه به همان تعداد ساعاتی هستند که قبلا بودند، بی‌اندازه درازتر به‌نظر می‌آیند. در واقع تمام ماشین‌هایی که برای تسهیل کار ما بودند، مثل اتومبیل و تلفن و تراکتور و چوب خردکن و گندم کوب و اره مکانیکی و...، درست است که کارمان را آسان می‌کردند ولی در سیر زمان نیز تسریع می‌کردند.

دیالوگ

شیر شاه

جان فاورو

بله گذشته می‌تواند به تو آسیب برساند. اما این تو هستی که می‌توانی از آن فرار کنی و یا از آن درس بگیری.

آخر هفته خوش بگذره...

آخر هفته‌ها، فرصتی دوباره برای کسب انرژی و رهایی از روزمرگی‌ها و دغدغه‌های کاری است. هر چند تعطیلات آخر هفته کوتاه است، اما با یک برنامه‌ریزی مناسب می‌توان از آن بیشترین استفاده را کرد. اگر تمام آخر هفته‌ها در فکر این هستید که کجا بروید و یا چه سرگرمی داشته باشید، تا انتهای این مطلب همراه ما باشید.

معمولا سینما رفتن یکی از تفریحات آخر هفته است که بیشتر خانواده‌ها هم اهلش هستند و به فراخور سلیقه و حالشان، فیلمی را انتخاب می‌کنند و دور هم می‌بینند. این هفته اما علاوه بر فیلم‌هایی که روی پرده هستند، جشنواره فیلم فجر هم به راه است و می‌توانید یکی، دو روز هیجان انگیز را با دیدن فیلم‌های جشنواره بگذرانید. اگر از قبل فکرش را کرده بودید و بلیت خریده‌اید که خوش‌به‌حالتان اما اگر همین حالا تصمیم گرفته‌اید فیلمی را در جشنواره تماشا کنید، چک کنید ببینید به‌صورت آنلاین برای کدام فیلم در سینماهای مردمی می‌توانید بلیت تهیه کنید.

آنهایی که اهل گیم و بازی‌های رایانه‌ای هستند، معمولا ترجیح می‌دهند به جای بیرون رفتن و تفریح و گردش، در خانه بمانند و بازی کنند. اما ما پیشنهاد بهتری برایشان داریم. قرار است یک جشنواره بازی‌های یارانه‌ای این هفته در تهران برگزار شود که جوایزش یک میلیارد تومان است و به ۱۱۵نفر تعلق می‌گیرد. نفر اول فیفا وای فوتبال

حال خوب

۱۰۰میلیون تومان و نفر اول بازی‌های موبایلی و ماشین سواری ۵۰میلیون تومان جایزه می‌گیرند. این مسابقات تا آخر بهمن برگزار می‌شود و مسابقه نهایی هم ۵اسفند در سالن همایش‌های برج میلاد انجام خواهد شد. ثبت‌نام این مسابقات شروع شده و خیلی‌ها تا حالا برای شرکت در این مسابقه‌ها ثبت‌نام کرده‌اند. شما هم اگر علاقه‌مندید، سریع ثبت‌نام کنید و این هفته به جای ماندن در خانه، بروید برج میلاد و در سوله‌های نمایشگاهی آنجا مسابقه بدهید، شاید برنده شدید.

همزمان با شروع دهه مبارک فجر، برنامه‌های تفریحی در شهر تهران هم برگزار می‌شود که می‌توانید آخر هفته‌تان را با یکی از این برنامه‌ها پرکنید. نمونه‌اش برپایی تورهای گردشگری نیم‌روزه در تهران است که هدفش آشنایی مردم به‌ویژه جوان‌ترها با مکان رویدادهای گردشگری انقلاب است؛ هم یک جور گردش در شهر است و هم آشنایی با تاریخ که می‌تواند حسابی جذاب باشد. اگر علاقه‌مندید که با این تورها یک سفر نیم‌روزه در پایتخت داشته باشید، به سامانه جامع گردشگری شهر تهران به نشانی Visit.tehran.ir بروید و ثبت‌نام کنید.

خبرها حکایت می‌کنند که قرار است پنجشنبه و جمعه دوباره تهران برفی شود و چه تفریحی بهتر از برف بازی؟ پیشنهاد می‌کنیم در این تعطیلات آخر هفته سری به ارتفاعات تهران مثل توچال، دیزین یا آبعلی بزنید و لذت برف بازی و تیوپ سواری را تجربه کنید. اگر هم اهل اسکی هستید، می‌توانید در پیست اسکی همین مناطق، اسکی کنید که هم ورزش است و هم تفریح. فقط یادتان باشد لباس گرم بپوشید و مجهز بروید تا سرمای هوا تعطیلاتتان را خراب نکند.

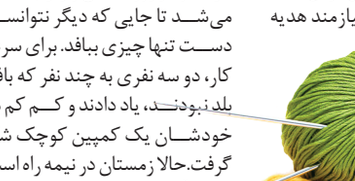

شهروند خوب

خانه مهربانی

زلزله ویرانگر خوی، همزمان که هموطنانمان را در این شهر بی‌خانمان و آواره کرده، افرادی را هم به تکاپو انداخته تا هر طور که می‌توانند قدری از درد مردم خوی بکاهند. یکی از شهروندان در ارومیه، در توییتر، یک آگهی ساده و سرراست، خانه‌اش را به آنهایی که در خوی از زلزله آسیب دیده‌اند پیش‌کش کرده تا در آن موقتا مستقر شوند. این کاربر، در توییت خود نوشته است: «اقامت در ارومیه برای افراد زلزله زده خوی در آپارتمان دربستی کاملا رایگان است. با شناسنامه‌های شهر خوی. دست‌بوس هموطنانم هستم.» این کاربر در پایین توییت‌اش، شماره تلفن خود را هم نوشته است تا به هر کس که مایل است، کمک کند و البته زیر این توییت، سیل پیام‌های محبت‌آمیز و قدردانی از این هموطن مهربان، همچنان در جریان است. این نوع همدلی، پدیده‌ای جهانی است و پیش‌تر هم در موارد بحرانی، مشابه آن را دیده‌ایم. در یک نمونه معروف، در حمله معروف تروریستی در سال ۲۰۱۷، لندنی‌ها گشاددستانه در خانه‌هایشان را به روی کسانی که از این حادثه متاثر شده بودند گشودند و با هشتگ «مبل رایگان، برای لندن»، برای کمک به دیگران اعلام آمادگی می‌کردند.

نذر خوب

بباف و هدیه بده

زهرا کریمی

حکایت راه‌اندازی این کمپین ساده برمی‌گردد به سال ۱۳۹۶. ساراخانوم ازجمله خانم‌هایی بود که به صدقه کنار گذاشتن اعتقاد داشت و این موضوع در سن ۳۵ سالگی‌اش تبدیل به عادتی شده بود که براساس آن هر روز سرصبح برای رفع بلا، باید مقداری از پولش را برای صدقه کنار می‌گذاشت. صدقه حالا نه به آن معنا که حتما روزی نصف پول توی جیبش را کنار بگذارد، نه. در واقع روزی ۲هزار تومان یا گاهی ۵۰۰ و یک وقت‌هایی شاید ۵ هزار تومان. در نهایت همه صدقه‌ها آخر ماه به ۲۵ یا شاید ۳۰هزار تومان می‌رسید.

هر ۲ماه صدقه‌ها مبلغی حدود ۶۰ یا ۵۰ هزار تومان می‌شد آن را به دوستش خانم آسوده می‌داد و او هم همیشه پول‌ها را می‌رساند به‌دست نیازمندهایی که می‌شناخت. از یک روز اما خانم جوان قصه ما یکباره تصمیم گرفت با پول صدقه‌ها کار نویی انجام دهد. او تصمیم گرفت به جای آنکه صدقه‌ها را به خانم آسوده بدهد، سه چهار ماه پول‌ها را جمع کند و به بازار برود و چند کلاف کاموا بخرد. دلش می‌خواست یک کلاه و شال گردن ببافد و آن را به یک کودک نیازمند هدیه بدهد و این کار را هم عملی کرد. حس خوبی که از این کارش دریافت می‌کرد باعث شد این طرح را با اعضای خانه، دوستان، همکاران و حتی غریبه‌ها در میان بگذارد که اگر کسی دلش خواست صدقه‌هایشان را به او بدهند تا با خرید کلاف‌های بیشتر، شال و کلاه بیشتری ببافد. خیلی‌ها موافقت کردند و هر روز به مبلغ واریزی‌ها اضافه می‌شد تا جایی که دیگر نتوانست دست تنها چیزی ببافد. برای سرعت کار، دو سه نفری به چند نفر که بافتن بلد نبودند، یاد دادند و کم کم بین خودشان یک کمپین کوچک شکل گرفت. حالا زمستان در نیمه راه است و آنها ۵ کارتن بزرگ شال و کلاه آماده دارند و یک وقت‌هایی هم ژاکت یا بلوز یا جوراب می‌بافند و می‌روند سراغ نیازمندان...